

گزارش

نوروز، پایه‌ای برای نظم نوین منطقه‌ای

● دیپلماسی ایرانی؛ در عصر حاضر نوع‌دوستی، مدارا و ارزش‌های اخلاقی و انسانی به یکی از حلقه‌های مفقوده جدی در زیست بین‌المللی و مناسبات انسانی، تبدیل شده است. در شرایطی که قدرت‌های بزرگ در شعار و عمل «اولویت را به کشورهای خود می‌دهند»، امنیت، رفاه و ثبات را تنها برای مردم خود می‌خواهند و بی‌توجه به ارزش‌ها و خواست ملت‌های دیگر، بر طبل منافع ملی خودخواهانه می‌کوبند، به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری محتاج یک ترمیم اخلاقی و معنوی است. در واقع ملت‌های جهان نیازمند یک ابرکلوی فرهنگی هستند که در آن حرفی از خودخواهی، خودبینی صرف و لزوم خودیاری نباشد و به جهان رنگ‌ولعاب اخلاقی‌تر و انسانی‌تر بدهد. براساس این با جرئت می‌توان گفت «آیین نوروز» به واسطه ارتباط مستقیم با طبیعت و حیات و ویژگی‌های عام انسانی و جهانی خود از این پتانسیل برخوردار است و می‌تواند به یک عامل فرهنگی اثرگذار در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شود. رسم و آیین نوروز یکی از نمادهای فرهنگ کهن ایرانی است که با وجود آنکه زمان زیادی از عمر آن می‌گذرد، همچنان پایرجا مانده و سنت‌ها و هنجارهای فرهنگی آن از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. تاکید بر ارزش‌های اخلاقی، ترویج و تحکیم روابط انسانی و نوع‌دوستی، اهمیت‌دادن به طبیعت و محیط زیست، باور به امکان‌پذیری تغییر و بهترشدن و تاکید بر بهداشت و پاکیزگی از ویژگی‌های برجسته فرهنگ نوروز است که به آن قابلیت اثرگذاری جهانی می‌بخشد. البته این ادعایی نیست که تنها ایرانیان به آن باور داشته باشند؛ اهمیت و پتانسیل‌های تأثیرگذاری این آیین به اندازه‌ای است که در ۴ اسفند ۱۳۸۸ (۲۳ قوریه ۲۰۱۰ میلادی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطع‌نامه‌ای روز ۲۱ مارس ۱۹۷۸ به «روز جهانی نوروز» به تصویب رساند. به‌این‌ترتیب برای نخستین بار در تاریخ این سازمان نوروز به‌عنوان مناسبتی بین‌المللی به رسمیت شناخته شد. پیش‌ازآن نیز پرونده نوروز در مهرماه ۱۳۸۸ از سوی هفت کشور تمدنی حوزه نوروز (ایران، جمهوری آذربایجان، هند، قریزنستان، پاکستان، ترکیه و ازبکستان) در فهرست ثبت میراث فرهنگی ناملموس یونسکو به ثبت رسید و البته در سال ۱۳۹۳ با تقاضای الحاق پنج کشور دیگر (افغانستان، عراق، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان) ثبت مجدد شد؛ فرایندی که حکایت از ظرفیت‌های بزرگ این رخداد در پیوند ملت‌ها دارد.نوروز، به‌عنوان یک عید باستانی در تاریخ و فرهنگ ملل منطقه جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد؛ کشورهای حوزه نوروز از سال‌های دور روابط تاریخی و دیرینه‌ای را در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر داشته‌اند و هرچند در سال‌های اخیر روابط آنها دچار فرازوفرودهای مختلفی بوده؛ اما عید نوروز، همچنان بهانه و دستاویزی برای تحکیم دوستی‌ها و گسترش روابط میان ملت‌ها و کشورهای منطقه است. نوروز نویدبخش این پیام انسانی است که می‌توان همراه با طبیعت تمام سردی‌ها، خصومت‌ها و مشکلات را کنار گذاشت و همه چیز را از نو ساخت. می‌توان مانند مادر طبیعت مهربان بود و بخشندگی و توسعه و رفاه را به‌لقط برای یک رخابه و قوم محدود و مشخص، بلکه برای همه انسان‌ها و موجودات خواست. اهمیت‌دادن به این ارزش‌های اخلاقی و انسانی در روابط بین‌الملل همواره می‌تواند زمینه‌ساز برقراری صلح و ثبات باشد؛ زیرا با در اولویت‌ قراردادن این آیین‌های مشترک در کنار اهداف و منافع جمعی می‌توان از خودخواهی‌ها کاست و از ایجاد تفرقه جلوگیری کرد؛ کشورهای دارای عید نوروز با اتکا به آیین‌های مشترک این عید باستانی می‌توانند در جهت پیمان‌های همکاری، صلح و دوستی میان یکدیگر و دیگر کشورهای منطقه حرکت کنند و به الگویی برای هم‌گرایی تبدیل شوند. ضمن اینکه توسعه گردش‌کده کشوری نوروز می‌تواند تقویت اقتصاد کشورهای این حوزه نیز مؤثر باشد. براساس این کشورهای حوزه نوروز می‌توانند به واسطه درکی که از یک هویت مشترک دارند، به سمت منطقه‌گرایی سوق پیدا کرده و از این طریق تبادل‌اتحاد خود را در همه زمینه‌ها افزایش دهند. برخلاف منطقه‌گرایی با اهداف سیاسی – امنیتی، در این نوع از منطقه‌گرایی استحکام بیشتری وجود دارد و پایه‌های فرهنگی – ارزشی به آن عمر درازتر و پایدارتری می‌بخشد. در نتیجه حوزه تمدنی نوروز از ظرفیت‌های بالقوه زیادی برای همکاری و شکل‌دادن به فرهنگ جهانی برخوردار است که باید به همدن برهان این کشورها جنبه عملیاتی به خود بگیرد. بنابراین نگاه به نوروز نباید و نمی‌تواند یک نگاه محدود، بسته و ملی باشد؛ برای جمهوری اسلامی ایران که داعیه‌های تمدنی دارد و همواره در صدد شکل‌دادن به یک نظم منطقه‌ای بومی و درون‌گرا (بدون مداخله قدرت‌های بیگانه) بوده است، این آیین باستانی آغاز حرکت‌کنش‌مند برای نقش آفرینی، تولید فرهنگ و هنجارسازی در عرصه منطقه‌ای و جهانی است؛ امری که البته تنها با شعار و گفتار به جایی نمی‌رسد و نیازمند تفکر استراتژیک، برنامه‌ریزی راهبردی و توسعه هدفمند همکاری‌ها و مناسبات با کشورهای منطقه است.



عباس ملکی دانشیار انرژی دانشگاه شریف

برخی بر این باورند که نفت خام و سیاست با تمام تفاوت‌هایی که از لحاظ جنس، شکل و معنا دارند، یکی هستند و برخی دیگر معتقدند مانند انرژی و ماده مفهوم نفت و سیاست می‌توانند به یکدیگر تبدیل شوند. اما در اینجا ما سعی می‌کنیم که ارتباط وثیق و عمیق قیمت نفت خام با مسئله حکمرانی در داخل واحدهای سیاسی و روابط بین‌الملل را بررسی کنیم. سیاست به معنای مجموعه تدابیر برای اداره امور یک واحد سیاسی از هزاران سال پیش تاکنون به اشکال مختلف وجود داشته است. سیاست با قدرت نزدیک است و از ایدئولوژی‌ها، واقعیت‌ها و منافع در طول زمان تأثیر پذیرفته است. آنچه ما از تاریخ به معنای عمومی آن برداشت می‌کنیم، همان سیر تحول سیاست در میان جوامع بشری است. به گفته فیلدینگ، تاریخ، گذشته علم سیاست و علم سیاست، اکنون تاریخ است.

از ابتدای کشف نفت خام توسط انسان تاکنون قیمت نفت خام فرازونشیب‌های فراوان داشته است. اگرچه در دوران‌های گذشته استفاده از نفت در برخی از مناطق جهان مرسوم بوده است اما استفاده نظام‌مند و دائمی بشر از نفت خام به ۱۸۵۰ کشف نفت در آمریکا بازمی‌گردد. پدربزرگ من از گذشتگان خود نقل می‌کند که در مناطقی مانند باکو، سنگ‌جال و لنکران مایعی با رنگی میان سبز و سیاه و چرب در برخی از جوی‌ها روان بود. مردم آن را برمی‌داشتند و در چراغ می‌ریختند و همراه با فیتله ایین مایع به تدریج و مداوم روشنایی می‌داد. این امتداد همان دورانی است که مارکوپولو در سفرنامه خود به آن اشاره داشته و می‌گوید که در باکو بشکه‌های نفتی با کشتی به نقاط دیگر حمل می‌شد. اولین چاه اکتشافی مدرن نفت در سال ۱۷۴۵ در فرانسه و اولین چاه استخراج نفت توسط کنلن دریک در سال ۱۸۵۹ در پنسیلوانیا حفاری شد. خبر کشف نفت به‌سرعت در همه‌جا پیچید. مردم برای خریدن با اجاره‌کردن زمین‌هایی که احتمال پیداشدن نفت در آنها می‌رفت، یورش بردند. تب نفت به راه افتاد و به بخش‌های دیگری از ایالات متحده آمریکا، کانادا و اروپا نیز سرایت کرد. از آن پس تجارت نفت یکی از بزرگ‌ترین و سودآورترین اشکال بازرگانی در سراسر دنیا شد. به نحوی که در برخی از سال‌ها از لحاظ حجم پولی در مکان اول قرار گرفت.

قیمت نفت از ابتدای کشف آن رفقار عجبیی داشته است. به‌لحاظ کمبود عرضه در ۱۸۶۰ متوسط قیمت نفت خام آمریکا تا حدود ۱۰ دلار هر بشکه در همان سال‌ها بود و بیشترین قیمت نفت خام شاخص برنت در ۲۰۱۴، ۱۴۰ دلار هر بشکه شد. اگر قیمت نفت را خالی از تورم بر اساس محاسبات شاخص قیمت مصرف‌کننده حساب کنیم، مشخص می‌شود که قیمت نفت در ۱۸۶۰ بر اساس قیمت‌های نفت در ۲۰۲۰ بالاتر از ۱۴۵ دلار بوده است. بالابودن قیمت در آن سال‌ها به تعداد عرضه‌ونقاشا و کمبودمن مقدار عرضه بازمی‌گردد. در سال‌های دهه ۱۸۸۰ روسیه نیز به جمع تولیدکنندگان نفت در نقاط مختلف به‌خصوص در کناره دریای خزر و در شبه‌جزیره آبشرون پیوست. در دهه ۱۸۹۰ نفت در جزیره سوماترا در اندونزی فعلی نیز یافت شد و نهایتاً فوران نفت در اسپیندل‌تاپ تگزاس قیمت نفت را به کمتر از یک دلار هر بشکه در آن زمان رساند. هر مقدار که تولید نفت بیشتر و قیمت آن به نسبت سایر کالاها در هر زمان کمتر می‌شد، وابستگی جامعه بشری به این حامل انرژی بیشتر شده و نفت و سیاست به یکدیگر بیشتر نزدیک می‌شدند. در ابتدای قرن بیستم با شروع جنگ جهانی اول و تدبیر چرچیل، وزیر دریانوردی انگلستان مبتنی بر تغییر

دیپلماسی

پیوند نفت و سیاست



سوخت کشتی‌های جنگی بریتانیا از زغال‌سنگ به نفت کوره، نگرانی از کمبود این حامل انرژی قیمت آن را در ایالات متحده بالابرد. آن‌گاه ونزولتا تولید نفت خام خود را در دهه ۲۰ میلادی افزایش داد و نگرانی بخش صنایع آمریکا را برطرف کرد. رکود بزرگ در ۱۹۲۹ تقاضا برای نفت را کاهش داد. اما کشف و گذشتگان خود نقل می‌کرد که در مناطقی مانند باکو، اول به سوخت بیشتری برای رشد سریع صنایع خود نیاز داشت. هیتلر با توجه به نظریه‌های فردریک لیست اقتصاددان ناسیونالیست آلمانی، در اواخر دهه ۳۰ میلادی جنگل‌های روهر در مرز با فرانسه را تصرف کرد تا نیاز آلمان به زغال‌سنگ را برطرف کند. از آن پس ماشین جنگی متحدین و متفقین هر دو به نفت نیاز داشت. سؤال اساسی اینجاست که اهداف سیاسی رهبران کشورها، میزان دسترسی به نفت خام را افزایش داد یا دراختیارداشتن منابع نفتی عامل اصلی جنگ بود؟ به‌هرروی تلاش هیتلر برای پیشروی به سمت نروژ و همچنین جنگ و سمع با اتحاد شوروی و حرکت نیروهای آلمانی به سوی دریای خزر و مالا تصرف شهر ولگاگرد (استالینگراد) در کنار ولگا و در نزدیکی منابع نفتی شوروی در قفقاز نشان از اهمیت عاملنفت در جنگ جهانی دوم دارد. طراحی متفقین برای کمک به ارتش سرخ نیز یک استراتژی موفق برای جلوگیری از آه آن‌ها توسط بر قفقاز بود.

پس از پایان جنگ، بار دیگر نیاز به نفت خام بالا گرفت. این بار برای بازسازی خرابی‌های جنگ و به‌عنوان موتور تولید آنهوه در همه بخش‌ها. جریان روان تولید نفت خام از مناطق تولیدکننده به‌سوی بازارهای مصرف‌کننده و به‌عبارت‌سی از خاورمیانه به‌سوی اروپا و آمریکا شمالی انجام شد. به عضو اوپک در عدم فروش نفت به کشورهای غربی و آمریکا، نشانه مثبتی شد برای تمامی جنبش‌های استقلال‌طلب خاورمیانه تا ادعا کنند که جهان سوم می‌تواند در مقابل نفوذ اقتصادی و نظامی ایالات متحده عرض‌اندام کرده و نشان دهد که راه‌های زیادی برای داشتن رابطه برابر با کشورهای صنعتی وجود دارد. زمانی که ایالات متحده آمریکا در تلاش برای متوقف‌کردن افزایش قیمت نفت به‌صورت محرمانه به ظرفیت‌سازی اضافی برای تولید نفت بیشتر در عربستان سعودی پرداخت، شاه ایران داشته تا بار دیگر تصوری تاریک از اقتصاد جهانی با تأمین زیرساخت‌های لازم برای افزایش تولید عربستان تا دو میلیون بشکه نفت در روز، در اجلاس رهبران اوپک در دوحه، تهدید شاه مبنی بر کاهش تولید اعضای اوپک توخالی از آب درآمد و عربستان تولیدش را افزایش داد. اقتصاد متورم‌شده ایران که

به منابع مالی تصاعدی عادت کرده بود، با تثبیت قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ مواجه شد. توقعات طبقه متوسط بالا می‌رفت و در واقعیت وضعیتی بود که نمی‌توانست همه انتظارات را برآورده کند. سؤال اینجاست که آیا ثابت‌ماندن قیمت نفت در سال‌های مورد نظر به بروز انقلاب اسلامی منجر شد یا انقلاب ایران باعث افزایش قیمت‌های نفت شد؟ به نظر می‌رسد هر دو بخش این سؤال منطقی باشد. توقف صادرات نفت ایران از نیمه ۱۹۷۸ تا سپتامبر ۱۹۸۰ قیمت نفت را این بار از ۱۲ دلار به ۲۴ دلار هر بشکه رساند. با شروع جنگ عراق علیه ایران علاوه بر ایران، صادرات نفت عراق نیز متوقف شد. قیمت تک محموله نفت برنت در ۱۹۸۰ به ۴۷ دلار هر بشکه رسید.

اما ایران به خاطر نیاز به درآمدهای نفتی سریعاً به بازار نفت بازگشت. تلاش کشورهای غربی پس از رکود بزرگ به شناسایی حوزه‌های نفتی جدید در آفریقا و دریای شمال منجر شد. سیاست‌های ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا نتیجه‌ای جز کاهش قیمت نفت خام تا ۱۵ دلار در هر بشکه در ۱۹۸۶ نداشت. این را ضد شوک در بازار نفتی می‌نامند. در سال‌های بعد عراق کویت را اشغال کرد اما قیمت نفت به‌صورت متوسط در حوزه ۲۰ دلار در هر بشکه نوسان می‌کرد. اشغال عراق توسط آمریکا در ۲۰۰۳ و پیامدهای آن و رکود اتفاق ۲۰۰۸ ناشی از بی‌ضابطگی بانک‌های آمریکایی سرمایه‌گذار در بخش مسکن قیمت نفت را تا ۱۰۰ دلار در هر بشکه بالا برد. بهار عربی و افزایش تقاضا در ۲۰۱۴ قیمت نفت را تا ۱۴۰ دلار در هر بشکه افزایش داد. از آن پس مجدداً قیمت‌های نفت سقوط کردند. پس از شیوع بیماری کووید ۱۹ کمترشدن مقدار تقاضا برای انرژی، قیمت‌های نفتی سقوط شدیدی را تجربه کردند. حتی قیمت نفت تگزاس به منهای ۳۷ دلار هر بشکه رسید.

این روزها مجدداً پیوند وثیق نفت و سیاست مشاهده می‌شود. تجاوز نظامی روسیه به اوکراین دارای پیامدهای وسیع و تأثیرگذار مانند شوک نفتی ۱۹۷۳ بر بازار انرژی است. بالاافتن ناگهانی قیمت نفت تا ۱۳۰ دلار و پایین آمدن آن تا ۱۱۰ دلار در هر بشکه در روزهای اخیر نشان از تأثیر حوادث سیاسی برای متوقف‌کردن افزایش قیمت نفت به‌صورت محرمانه به ظرفیت‌سازی اضافی برای تولید نفت بیشتر در عربستان سعودی پرداخت، شاه ایران داشته تا بار دیگر تصوری تاریک از اقتصاد جهانی با تأمین زیرساخت‌های لازم برای افزایش تولید عربستان تا دو میلیون بشکه نفت در روز، در اجلاس رهبران اوپک در دوحه، تهدید شاه مبنی بر کاهش تولید اعضای اوپک توخالی از آب درآمد و عربستان تولیدش را افزایش داد. اقتصاد متورم‌شده ایران که

ادامه از صفحه اول

صمت شفافیت

از تدابیر اتخاذی برای کاهش این نوع از مفاسد، اتکا به قانون منع مداخله بوده که طبق آن ورود کارمندان دولت در معاملات دولت چه به عنوان شخص حقیقی و چه به عنوان شخص حقوقی با ممنوعیت و محدودیت‌هایی مواجه است. تاکنون این قانون در قالب خوداظهاری اجرا می‌شده که این روش به هیچ عنوان اثربخش و مفید نبوده است. با تلاش وزارت صمت این مهم اکنون به صورت سیستمی قبل از ورود به معامله بر اساس اعلام برخط از سامانه کارمند ایران (سازمان اداری و استخدامی کشور) و سامانه ثبت شرکت‌ها (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) در دو مرحله مجزا؛ نخست هنگام پیشنهاد قیمت و دوم هنگام اعلام برنده به‌صورت کاملاً هوشمند و بدون دخالت عامل انسانی و در همه انواع معاملات اعم از کوچک، متوسط و بزرگ عملیاتی شده است. این روش نسبت به روش قبل، کاملاً سیستمی و پیشگیرانه است و به جای اینکه فرد با خوداظهاری خلاف واقع، در معاملات دولت مداخله کند و احتمالاً بعدها شناسایی شود، اساساً می‌توان از شروع تخلف جلوگیری کرد. صدور هوشمند کارت بازرگانی بدون دخالت عوامل انسانی نیز از دیگر اقدامات حائز اهمیت است؛ صدور کارت بازرگانی جهت مقدمات موضوعاتی نظیر مجوز ورود، تأمین ارز، حمل بین‌المللی، تخلیه و انبار از بخش‌های تجارت خارجی و تشریفات کمرکی، حمل داخلی، حمل شهری و فروش بخش تجارت داخلی است. سامانه هوشمند صدور کارت بازرگانی به سامانه جامع تجارت متصل شده و از طریق این سامانه که پنجره واحد تجارت است، تبادل اطلاعات صورت می‌پذیرد. وزارت‌خانه‌هایی از جمله صمت، بهداشت و درمان، جهاد کشاورزی، ارتباطات، نفت، راه و شهرسازی، امور اقتصادی و دستگاه‌هایی مانند سازمان ملی استاندارد، بانک مرکزی و بیمه مرکزی در این موضوع دخیل هستند. صدور کارت بازرگانی ابتدا الکترونیکی و بعد هوشمندسازی شد و فرایند صدور آن اکنون بدون محدودیت زمانی، بدون مراجعه حضوری و بدون دخالت عامل انسانی انجام می‌شود. از دیگر اقدامات مهم سامانه هوشمند رسیدگی به شکایات از کسب‌وکارهای اینترنتی و داوری جمعی بر خط است؛ هوشمندسازی فرایندها بر اساس برنامه ششم توسعه کشور به دستگاه‌های مختلف تکلیف شده است و نوعی نگاه راهبردی در موضوع هوشمندسازی فرایند رسیدگی به شکایات و تخلفات وجود دارد. وزارت صمت در راستای افزایش رضایت‌مندی عمومی تلاش کرده حل مسائل مردم را از طریق داوری توسط خودشان انجام دهد و به همین منظور «سامانه هوشمند رسیدگی به شکایات از کسب‌وکارهای اینترنتی و داوری جمعی برخط» را طراحی و عملیاتی کرده است تا از ساده‌ترین مسیر ممکن ارسال و پیگیری شکایات و همین‌طور داوری جمعی کسب‌وکارهای اینترنتی به صورت برخط و بدون هیچ‌گونه هزینه تشکیلاتی فراهم شود؛ در صورتی که مصرف‌کننده در سامانه درخواست داوری کند، فرایند داوری در کمتر از سه هفته انجام و رأی داوری صادر خواهد شد که رأی آن برای کسب‌وکار مربوطه لازم‌الاجرا بوده و باید ظرف حداکثر یک هفته اجرائی شود. در صورت اعتراض‌ن این رأی توسط واحد کسب‌وکار، رأی داوری علاوه بر ضمانت اجرائی اداری در سامانه انجام‌داد، ضمانت اجرای قضائی نیز خواهد داشت و از طریق مراجع قضائی نیز قابلیت برنامه‌ها و پروژه‌های مهم وزارت صمت است که در جهت تقابل جدی با هرگونه فساد، رانت و همچنین حذف امضاهای لاطالی و بی‌کفایت در ایجاد شکایت و فرایندها در حال انجام است. پیشگامان تولید و تجارت کشور معتقدند برای آنکه صمت، پیشران پیشرفت ایران باشد، می‌بایست همچنان‌که در خط مقدم جبهه اقتصادی حضور دارند در صف نخست فسادستیزی و شفافیت در دولت مردمی نیز جلوه‌گر باشند.

● **معاون حقوقی و امور مجلس وزارت صمت**

خبر

کنایه محمد مهاجری به وزیرنفت

معامله یک گونی بیاز از این شفاف‌تر است

● **خبرآلانین**؛ محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا، از شفاف‌نبودن قرارداد ۲۰ساله توسعه نفتی پارس جنوبی انتقاد کرد و در توییتی نوشت: در اوج ترقه‌بازی چهارشنبه‌سوری قرارداد ۲۰ساله توسعه نفتی پارس جنوبی (که ۹۰۰ میلیون بشکه نفت دارد) با حضور وزیر نفت امضا شده که نه معلوم است طرف قرارداد کیست و نه مبلغش چندر است. معامله یک گونی بیاز در میدان تره‌بار از این شفاف‌تر است!

سختگوی دولت:

سقف وام قرض الحسنه بانک‌ها به ۳۰۰ میلیون افزایش یافت

● **ایسننا**؛ علی بهادری جهرمی، سختگوی دولت، در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «سقف وام قرض‌الحسنه بانک‌ها از ۵۰ میلیون تومان با بازپرداخت ۳۶ماهه، به ۳۰۰ میلیون تومان با بازپرداخت ۶۰ماهه افزایش یافت. وام قرض‌الحسنه اشتغال‌زایی هم از صد میلیون تومان به ۵۰۰ میلیون تومان با بازپرداخت ۸۴ماهه افزایش یافت.»

^[1] یازدهمین جلسه هیئت‌مدیره بانک ملت در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۹۸ با دستور کار مشخصی برگزار شد